

دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر درباره اشتغال زنان: نقد و تحلیل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

منظر ترکمان پری^۱فروغ پارسا^۲مهرداد عباسی^۳مژگان سرشار^۴

چکیده

مسئله اشتغال زنان در حوزه برابری حقوق زنان و مردان مطرح شده است. برای توضیح و تفسیر آیات قرآنی که این موضوع را مطرح می‌نمایند، همواره سوالاتی در این زمینه مطرح می‌شود. این پژوهش با روش اسنادی کتابخانه‌ای، ضمن گزارش آرای مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر با محوریت آیات ۳۲ سوره نساء و ۳۳ سوره احزاب، به تحلیل و نقد نظرات آنها می‌پردازد. مفسران و قرآن‌پژوهان در این حوزه به دو دسته مخالفان و موافقان تقسیم می‌شوند. ضمن آنکه موافقان اشتغال زنان نیز خود به دو گروه موافقان مشروط و مطلق تقسیم می‌شوند. نتایج بحث نشانگر این است که؛ موافقان مطلق، استقلال و شغل را حق طبیعی زنان می‌دانند، حال آنکه موافقان مشروط معتقدند که زنان حق شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را دارند، اما اولویت برایشان خانه و رسیدگی به فرزندان است. شرط حضور آنان در جامعه نیز رعایت حجاب و شئون اسلامی است. مخالفان این حوزه معتقدند اشتغال زنان با مسئولیت همسری و مادری آنان تداخل دارد، بنابراین حضور آنان در جامعه مثبت نیست. گویی تفاسیر موافقان مشروط که برای کرامت و آزادی زنان ارزش قائل‌اند، در این زمینه تطابق بیشتری با نیازهای جامعه امروزی دارند.

کلید واژه: اشتغال زنان، مفسران، قرآن‌پژوهان معاصر، نقد و تحلیل

^۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران m42orkaman@gmail.com

^۲. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (نویسنده مسئول). f.parsa@ihcs.ac.ir

^۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Abbasimehrdad@yahoo.com

^۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sarshar2008@gmail.com

در قرآن همواره بر تساوی دو جنس زن و مرد تاکید شده است که تفاوت‌های آن دو، موجب برتری یکی بر دیگری نیست. نگاه‌های تبعیض آمیز میان زن و مرد، ناشی از پیش داوری‌های ذهنی و برداشت‌های شخصی افراد است و هیچ ربطی به آیات الهی و ادیان ندارد. با تاملی در بعضی آیات، مانند آیات ۴۵ و ۴۶ سوره نجم، آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مومنون، آیه ۲۰ سوره لقمان، آیه ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف، آیات ۱۴۱ و ۱۴۲ سوره انعام، آیه ۹۷ سوره نحل و نظایر آن در می‌یابیم که آیات قرآنی همواره در انسانیت انسان، هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. در این آیات تاکید می‌شود که منشا همه انسان‌ها اعم از زن و مرد یکی است و هدف از آفرینش آنان، عبادت پروردگار است. اشتغال زنان از جمله مسائلی است که در حوزه برابری و تساوی حقوق زن و مرد همواره مورد توجه و بحث قرار گرفته است. در تعریف «اشتغال» آمده که این واژه بر وزن «إفتعال» بوده و از ماده‌ی «شغل» به معنای سرگرم شدن گرفته شده است و اگر این واژه با حرف «عن» متعدی شود، معنای اعراض و رویگردان شدن را دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۹۵/۳). فراهیدی نیز این واژه را به معنای «گردن نهادن، فرمان بردن و بازگذاشتن» آورده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۹۲۶/۲). ابن منظور علاوه بر موارد فوق، «تسلیم و داخل شدن در صلح و دوستی» را نیز بدان افزوده است (ابن منظور، ۱۹۹۰م: ۱۴۷/۷). در بحث اشتغال زنان تفاسیر متفاوتی از آیات نیز وجود دارد که موجب به‌وجود آمدن دو دیدگاه مهم شده است؛ نخست دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهان مخالف و دیگری دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهان موافق. اهمیت این تحقیق آن است که نشان دهد اشتغال حق مسلم زنان است و دیگر اینکه بتواند ادله صحیح و غلط در حوزه اشتغال زنان را با توجه به نیازهای دنیای مدرن امروز بررسی کند. نکته مورد توجه این است که فقه، حقوق و جامعه‌به‌عنوان سه خاستگاه مهم در ایجاد محدودیت‌هایی برای زنان مورد توجه قرار دارند. دین هم یکی از منابع حقوقی در جوامع اسلامی است و بسیاری از محدودیت‌های زنان در امر اشتغال نیز به دین نسبت داده شده است. حال سوالی که مطرح می‌شود، اینکه آیا آموزه‌های دینی و اسلامی این محدودیت‌ها را ایجاد می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال که فرضیه پژوهش می‌باشد، پژوهشگر معتقد است که این محدودیت‌ها نتیجه پذیرش دین اسلام نیست؛ بلکه نتیجه تفسیر مفسران از آیات و روایات در ادوار مختلف است. تحقیقات متعددی در مورد اشتغال زنان انجام شده است، از آن جمله پایان‌نامه «بررسی اشتغال زنان متاهل و مشکلات آنان (با نگاهی به تأثیرات اشتغال زنان در خانواده)» (۱۳۷۸) از بتول موسوی که در دانشگاه الزهرا (س) دفاع شد. در تحقیق حاضر سعی شده تا به برخی از مسائل جامعه‌شناختی اشتغال زنان از جمله بررسی فعالیت آنان، موانع مشارکت، ارتباط اشتغال زنان با توسعه و تمهیدات جهانی در زمینه اشتغال زنان پرداخته شود و سپس به منظور اختصاصی‌تر کردن کار، مسئله تأثیر اشتغال زنان در خانواده با تاکید بر تأثیر بر فرزندان، روابط با همسر و تأثیر بر خود زن بررسی شود. «بررسی مبانی فقهی و حقوقی اشتغال زوجه» (۱۳۹۳) از فاطمه حاج جعفری نژاد که به راهنمایی دکتر محمود امامی نمینی و مشاوره دکتر غلام رضا عراقی در دانشگاه علامه محدث نوری دفاع شد. در این اثر حق اشتغال زوجه و محدودیت‌های آن و نیز حدود اختیارات زوج در مخالفت با شغل همسر، انواع شرط اشتغال زوجه و اعتبار آنها از بعد فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفت. در مورد محدودیت‌های حق اشتغال زوجه و حدود اختیارات زوج در ممانعت از شغل همسر، ابهاماتی در قوانین وجود دارد که شایسته امعان نظر است. محمد روشن در مقاله‌ای تحت عنوان «پیشینه‌ی تاریخی اشتغال زنان و جایگاه آن در فقه» (۱۳۹۶) بیان می‌کند برای تصدی انواع مشاغل، در هیچ کدام از کتب فقهی جنسیت مدخلیت ندارد و زنان همواره فعالیت‌های اقتصادی متفاوتی داشته‌اند و هیچ گونه

ردع یا سرزنشی در متون کتب فقهی دیده نمی‌شود. ساجده عبدالعلی خانی در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام» (۱۳۹۴) موارد ضروری اشتغال زنان را در زندگی اسلامی تبیین و بررسی می‌نماید و بیان می‌کند دیدگاه اسلام در موضع اشتغال زنان، راه میانی را بر می‌گزیند و زنان را در این زمینه مقید به ضوابط و شرایطی می‌نماید. با تفسیر و تحلیل آیات ۳۲ سوره نساء و ۳۳ سوره احزاب که موضوع اشتغال را مطرح می‌نمایند، به دو دیدگاه کلی موافقان و مخالفان از سوی مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر برخورد می‌شود. موافقان اشتغال، به دو گروه مشروط و مطلق در این زمینه تقسیم شدند و مخالفان نیز تنها مطلق هستند. در این جستار تلاش بر این است که با تحلیل و مقایسه این دیدگاه‌ها، تفسیر مناسب و صحیح که متناسب با نیازهای زمان حاضر باشد، انتخاب شود. بنابراین با روش تحلیلی - توصیفی به دنبال تفسیری هستیم که بتواند ارزش‌های فرا مادی را بر ارزش‌های مادی ترجیح دهد و به داشتن روحیه سالم در زنان کمک نماید. برای این منظور باید مفهوم سازی یکسان و عادلانه‌ای از آیات مربوط به اشتغال صورت گیرد؛ چراکه استنباط افراد جامعه، به‌ویژه زنان از این تفاسیر تأثیر شگرفی بر اذهان نهاده و علاوه بر رشد و توسعه اقتصادی، احترام به حقوق زنان و رعایت شخصیت آنها است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهان موافق مشروط در حوزه اشتغال زنان بهتر می‌تواند پاسخگوی تعارض‌های مطرح شده باشد. تفسیر موافقان مشروط هم به حق اشتغال زنان و هم به رسالت همسری و مادری ایشان توجه دارد. این تفاسیر به گونه‌ای جامع و مبتنی بر نیاز و شرایط روز جامعه است.

۱. اشتغال از دیدگاه اسلام

زن در اسلام مجبور نیست برای خود و خانواده کار کند و پرداخت نفقه از ناحیه مردان واجب شرعی است. زن مکلف به ازدواج نیست، مگر اینکه احتیاج به شغلی برای او ضرورت یافته باشد و یا به سبب امری که وجوب کفایی اشتغال برای زنان را در بردارد و باید نیازهای جامعه با اشتغال برطرف شود. (الحمد، ۱۴۳۱ق: ۲۶-۲۷).

اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان از منظر اسلام با توجه به آیه ۳۲ سوره نساء امری جایز است. دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیت بدان عمل می‌شد، پذیرفت و بعضی را اصلاح کرده، برخی دیگر را از بین برد و قوانین جدیدی را برای سامان‌دهی زندگی مسلمانان در اجتماع نوظهور امت اسلام، وضع کرد. اسلام در مورد اشتغال زن، وضع زمان جاهلیت را پذیرفت، یعنی بی‌آنکه قانون صریحی بنهد، به زن اجازه داد همچنان کار کند؛ زیرا دین، همان‌گونه که حق کار کردن مرد را مسلم و بدیهی می‌دانست، در مورد زن نیز چنین عقیده‌ای داشت. وقتی دین اسلام ظهور کرد، زن دارای حقوق انسانی و کرامت والای الهی شد. او دارای حق زندگی، حق انتخاب، حق حاکمیت بر سرنوشت و حق اقتصادی گردید. زنان در صدر اسلام در امور اجتماعی شرکت می‌کردند. حتی قرآن کریم نیز کسب و کار و تلاش اقتصادی زنان را تایید کرد و مالکیت ایشان را بر اموالشان به رسمیت شناخت. اشتغال زنان در دوره پیامبر (ص) و ظهور دین اسلام نیز به طور گسترده‌ای به چشم می‌خورد و آنها در همه مشاغل رایج آن زمان حضور داشتند. در این راستا می‌توان به زینب دختر حجه اشاره نمود که به صنایع دستی اشتغال داشت. و یا زنی به اسم زینب که پزشک قبیله بنی داوود بود. بسیاری از زنان نیز به کار شبانی و دامداری مشغول بودند و برخی از زنان نیز به تجارت اشتغال داشتند (باقری و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۲۴۹).

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که اسلام با تقسیم کار و تفکیک نقش‌های مردانه و زنانه در خانواده و جامعه مخالفتی ندارد؛ بلکه قوانین و اصولی را برای اجرای بهینه نقش‌ها تدوین کرده است. درست است که زنان برای

تامین مسائل اقتصادی خانواده معاف هستند و این مسئولیت بر عهده مردان است و مردان وظیفه دارند نفقه را پرداخت کنند؛ اما در تعالیم اسلامی هیچ ممانعتی برای اشتغال زنان و مردان نیست و با در نظر گرفتن حلال بودن اشتغال زنان، آنها می‌توانند از ماحصل کارکردشان نیز بهره‌مند گردند.

۲. آیات مربوط به حوزه اشتغال

آیات مربوط به حوزه اشتغال براساس تفاسیر موجود به دو دسته موافقان و مخالفان تقسیم می‌شود که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. آیه موافقان حوزه اشتغال

(وَلَا تَمْتَوْنَ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ ۚ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَبُوا ۖ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَبْنَ ۚ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا) (نساء: ۳۲).

برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال)، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.

ب. آیه مخالفان حوزه اشتغال

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ) (احزاب: ۳۳)، و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

۳. آرای مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر درباره اشتغال زنان

مقاله حاضر به بررسی و تحلیل آراء مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر در آیه ۳۲ سوره نساء و ۳۳ سوره احزاب درباره اشتغال زنان می‌پردازد. نظرات مفسران و قرآن‌پژوهان درباره اشتغال زنان به دو گروه عمده موافقان و مخالفان تقسیم می‌شود. موافقان دو گروه مشروط و مطلق هستند که موافقان مطلق خواهان برابری و یکسانی حقوق زنان و مردان در حوزه اشتغال هستند و موافقان مشروط تا حدودی مایل به مطرح نمودن مسائل و ملزومات شرعی نیز در این حوزه می‌باشند. مخالفان در این حوزه تنها از نوع مطلق هستند، بنابراین به بررسی نظرات ایشان در سه دسته پرداخته می‌شود.

۳-۱- موافقان اشتغال زنان

موافقان اشتغال زنان به دو گروه مطلق و مشروط تقسیم می‌شوند و دیدگاه‌های هر گروه از مفسران و قرآن‌پژوهان در ذیل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱- موافقان مطلق اشتغال

در مبحث موافقان مطلق، دیدگاه‌های محمد فضل الله، سید محمود علایی طالقانی، نصر حامد ابوزید، آمنه ودود، فاطمه مرنیسی، احمد قابل و شحرور بررسی می‌شود.

الف. محمد فضل الله

فضل الله (۱۹۳۵-۲۰۱۹ م) از موافقان مطلق در حوزه اشتغال زنان است. او اعتقاد دارد مسئله‌ای که در آیه اشتغال وجود دارد، موضوع ارث بیشتر مردان بر زنان نیست، بلکه تعادل در حقوق و وظایف آنهاست. در اینجا موضوع توزیع نقش‌ها و سازماندهی واقعیت مطرح است و اینکه برخی انگیزه‌های انحرافی وجود دارد که نوعی انحراف روانی در ساختار شخصیتی انسان ایجاد می‌کند. زمانی است که فرد در جامعه‌ای زندگی می‌کند که افراد از لحاظ فرصت‌های مختلف با هم متفاوت هستند و برخی از آنچه دیگران دارند محروم باشند پس نوعی تاثیر روانی منفی بر ذهن آنها ایجاد می‌کند و نوعی حسادت در اخلاق افراد شکل می‌گیرد (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۲۱۸/۷).

فضل الله می‌گوید که در این آیه به جز حسادت، مسئله کار و درآمد نیز مطرح می‌شود. زنان و مردان هر دو از این حق برخوردار هستند و هیچ کس حق ندارد آنها را نادیده بگیرد یا حقشان را انحصار نماید (همان: ۲۱۹/۷)؛ ولی باید بدانند با وجود تفاوت‌های زنان و مردان در برخی از زمینه‌های قانونی، برخی امتیازات به مردان و برخی به زنان تعلق دارد، اما درباره اشتغال و کار، مردان و زنان در یک سطح هستند و کسی نمی‌تواند حق ایشان را سلب نماید (همان، ۲۲۰/۷). در نگاه فضل الله اشتغال زن در زمره حقوق مسلم وی قلمداد می‌شود و مرد نمی‌تواند زن را از دستیابی به حقوق خود باز دارد. این تاکید فضل الله راه را برای اشتغال زنان باز گذاشته است.

ب. سید محمود علایی طالقانی

طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸ ش) نیز از موافقان مطلق در حوزه اشتغال زنان است. وی اعتقاد دارد زن به عنوان عضوی از اجتماع باید در زندگی اجتماعی حضور فعال داشته باشد و خانه‌نشینی و مهجوریت زنان معلول اوضاع و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و هیچ ربطی به دین و اسلام ندارد. ایشان اعتقاد دارد برای رهایی از فقر و افزایش سطح درآمد و در نهایت ایجاد رشد و توسعه اقتصادی چه زن چه مرد باید تلاش کنند و احترام به حقوق زنان و رعایت شخصیت و شان بانوان مسلمان ایرانی از ضرورت‌های این توسعه است (طالقانی، ۱۳۶۲: ۷۳/۶). در گستره نگاه طالقانی مسأله اشتغال زنان فراتر از حقوق آنان و تامین نیازهای اقتصادی است. ایشان زن را در کانون مسایل اجتماعی دانسته و از تاثیر آن سخن گفته است.

ج. نصر حامد ابوزید

نصر حامد ابوزید (۱۹۴۳-۲۰۱۰ م) نیز از قرآن پژوهان و موافقان در حوزه اشتغال زنان است. وی نگاهی نو به مسئله زنان در قرآن دارد و مسأله ایشان را کاملاً اجتماعی می‌داند و با رویکردی تاریخی، تفاوت‌های میان زن و مرد را براساس طرحی سامان یافته نمی‌داند و معتقد است که باید این تفاوت‌ها به گونه‌ای دیگر مطرح می‌شدند. ابوزید ضمن پذیرش تفاوت‌های جسمی و روحی زنان و مردان، آن را پیامد شرایط فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه می‌داند و معتقد است که دگرگون ساختارها می‌تواند به برابری حقوق ایشان منجر شود. از دیدگاه ابوزید، مسئله زن از نظر ماهوی، انسانی و اجتماعی می‌باشد و از مسئله مرد جدا نیست؛ بنابراین زنان در حوزه زندگی اجتماعی و در هر برهه تاریخی، جزء اصلی محسوب می‌شوند و این امر به روشن شدن وضعیت مرد و زن در ساختار اجتماعی، فرهنگی و فکری می‌گردد. او آزادی زنان و داشتن استقلال و اشتغال را از جمله حقوق طبیعی و انسانی ایشان دانسته که منجر به پیشرفت اجتماع می‌شود (ابوزید، ۱۹۹۹م: ۲۷۱). زنان مهمترین مسأله ابوزید است و شاید بتوان گفت این دریافت نسبت به سایر مفسران و قرآن پژوهان متمایز است.

د. آمنه ودود

آمنه ودود (۱۹۵۳م) نیز از قرآن‌پژوهان و موافقان مطلق در حوزه اشتغال زنان است. او بیان می‌کند افزایش قدرت مردان یا مرد سالاری ربطی به اسلام نداشته و هدف قرآن برابری کامل زن و مرد می‌باشد (بارلاس، ۱۳۹۲: ۲۳). آمنه ودود هدف قرآن را برابری کامل زن و مرد می‌داند و بر انسانیت برابر زن و مرد تأکید می‌نماید. با توجه به دیدگاه‌های ودود در ارتباط به زنان و تأکید وی بر محوریت برابری و انسانیت زن و مرد، می‌توان وی را از موافقان مسأله اشتغال زنان برشمرد.

و. فاطمه مرنیسی

فاطمه مرنیسی (۱۹۴۰-۲۰۱۵ م) معتقد است هیچ قدرت یا قانونی نمی‌تواند حقوق زنان را سلب نماید و دین اسلام به زن اجازه داد تا آزادانه حق انتخاب شغل و درآمد آبرومندانه داشته باشد و این فرهنگ مردسالاری جامعه عرب در گذشته باعث شده تا مسئله اشتغال زنان در چارچوب خانه و خانواده ترسیم شود (مرنیسی، ۲۰۰۵م: ۴۱). وی اعتقاد دارد اصل برابری زن و مرد ایجاب می‌کند زنان نیز مانند مردان بیرون از خانه مشغول به کار شوند. از نظر مرنیسی علمای اولیه مسلمانان حقوق زنان را غضب کرده‌اند و اصل برابری زن و مرد ایجاب می‌کند که زنان نیز مانند مردان بیرون از خانه مشغول شده و به کار و فعالیت پردازند.

هـ. احمد قابل

احمد قابل (۱۳۳۶-۱۳۹۱ش) معتقد است در جوامع امروزی زنان و مردان به طور یکسانی می‌بایست هزینه‌های دفاعی و امنیتی را در جامعه پردازند و از طرفی مسئله مهریه نیز در همه جوامع مطرح نمی‌باشد، پس همین دلایل کافی است تا زنان در تامین هزینه‌ها نقش داشته باشند (قابل، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱). به عقیده وی، با توجه به هدف اصلی از ازدواج زن و مرد که رفع نیازهای جنسی و تولید مثل است، و هریک از این دو مورد، حق و مسئولیت مشترک زن و مرد می‌باشد، هیچ کدام از آنها نمی‌توانند کاری کنند که مزاحم حق دیگری باشد. تحصیل یا خروج از منزل اگر بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت باشد، مجاز نیست و اگر بر اساس برنامه‌ای طبیعی و عرفی باشد، هیچ کس حق ممانعت از آن را ندارد. ملاک تشخیص طبیعی بودن و یا بهانه جویی کردن، عرف و تقلاهی جامعه است و این مطلب در قرآن کریم بارها تکرار شده است و امر و جویی آن در قرآن عبارت است از: (وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء: ۱۹)؛ و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! براین اساس، تنها حقی که مرد نسبت به زن دارد، حق تمکین است. اگر عرف عقلانی جامعه، خروج از منزل برای تحصیل یا دیدار با بستگان و خویشاوندان و نظایر آن را مانع حق تمکین نداند (که در شرایط طبیعی نمی‌داند)، شوهر نمی‌تواند مانع همسر خویش گردد و هر گونه ممانعتی از سوی وی، ظلم محسوب شده و قطعاً حرام شرعی است (قابل، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

ی. شحرور

شحرور (۱۹۳۸-۲۰۱۹م) از دیگر موافقان در این حوزه است. به عقیده وی مسائل و مشکلات امروزی که مربوط به زنان است، ناشی از ناآگاهی اندیشمندان مسلمان نسبت به بعضی مسائل؛ مانند ندانستن تفاوت انواع آیات و احادیث (ام‌الکتاب، حدود، تعلیمات و نظایر آن) و همینطور ندانستن حد و مرز قوانین مربوط به زنان است (عمیدی زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۲۵-۲۳۸). نگارنده باینکه داشتن شغل را برای زنان جز حقوق مسلمشان می‌داند، براین باور است که زن مخیر است به انتخاب و نمی‌توان او را مکلف به اشتغال نمود؛ زیرا اصالت از آن گرمی و بقای خانواده می‌باشد.

برابر آنچه که گذشت، اشتغال زنان در زمره حقوق بی‌بدیل و غیر قابل انکار و موجب دستیابی به استقلال، مشارکت و نقش‌پذیری در عرصه‌های مختلف اجتماعی و بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های ویژه زنان است.

۳-۱-۲- موافقان مشروط اشتغال

در این بخش دیدگاه‌های مفسران و قرآن‌پژوهان موافق مشروط اشتغال مانند محمد حسین طباطبایی، ناصر مکارم شیرازی، عبدالله جوادی آملی، مرتضی مطهری، محمد عبده و مهدی مهریزی بررسی می‌شود.

الف. محمد حسین طباطبایی

طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ش) از موافقان مشروط در حوزه اشتغال زنان است. به عقیده وی این آیه نشان از اهمیت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده است و اشتغال در مرتبه دوم قرار دارد. زنان با استقلال مالی می‌توانند به هر کاری که در توانشان باشد بپردازند. مثلاً در گذشته، دایگی شغلی برای زنان بوده چنان‌که حلیمه سعیدیه و چند تن از زنان برای همین کار به مکه رفته بودند و در برابر خدمتی که ارائه می‌کردند و به کودک شیر می‌دادند، مزد دریافت می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۲ ق: ۵۳۱/۴).

طباطبایی این آیه را «اکتساب» می‌نامد و معتقد است که از آیه مذکور این برداشت می‌شود که مقصود از اکتساب، نوعی از تعیین حوزه مالی است که موجب حریم خصوصی می‌گردد؛ خواه با کاری اختیاری حاصل شده باشد. فعالیت زن در صنعت یا شغل و یا به صورتی جز آن، مانند فضیلتی می‌باشد که در آن زن راه یافته است و هریک از آنها که برای انسان حاصل شود، با عنوان مذکر یا مؤنث، نصیب و سهمی برای او می‌شود (همان: ۳۳۸/۴-۳۳۷). وی معتقد است این آیه نشان از اهمیت و ارزشمندی استقلال اقتصادی زن و مرد در آیین اسلام دارد. البته اولویت ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده است.

ایشان در خصوص آیه ۳۴ سوره نساء نیز می‌فرماید: با استناد به آیه ۳۴ گرچه برای مردان درجه و فضیلتی نسبت به زنان به اثبات می‌رسد، اما این موجب منع اشتغال زنان نیست. منظور از «فضل» در این آیه، برتری بر حسب طبع و ذات مردان است. یعنی برتری در قدرت تفکر و تعقل مردان نسبت به زنان می‌باشد (همان: ۵۳۴/۴). «فضل» در این آیه مانع اشتغال زن نیست؛ چرا که اشتغال زنان در اموری که با وضعیت جسمی و روحی آنان متناسب باشد، منعی ندارد. به نظر طباطبایی، سرپرستی مردان نسبت به زنان مانع از بهره‌مندی زنان از حقوق فردی و اجتماعی و استقلال آنها در حفظ و دفاع از این حقوق و همین‌طور تصرف در اموال آنها نیست. علامه سنت نبوی را شاهدهی بر این تفسیر می‌داند که زنان در دیدگاه اسلام، از هیچ حق فردی و اجتماعی منع نشده و می‌توانند فعالیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشند (همان: ۳۶۹/۴).

ب. ناصر مکارم شیرازی

مکارم شیرازی (۱۳۰۵ش) از مفسران و موافقان مشروط در حوزه اشتغال زنان می‌باشد. وی اعتقاد دارد که روح و جسم زنان با مردان تفاوت دارد و وجود این تفاوت برای ادامه نظام جامعه انسانی لازم است؛ بنابراین هریک برای مسئولیتی خلق شده‌اند. گرچه هر دو انسان هستند و حقوق فردی و اجتماعی دارند؛ اما اینکه تصور شود هر دو به یک صورت فکر می‌کنند و قابلیت برای هر کاری را دارند، اشتباه است؛ زیرا عدالت به معنای مساوات و برابری نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۶۳/۳).

در آیه مذکور درباره اشتغال و مسائل اقتصادی زنان سخن گفته شده است. حال اینجا این سؤال مطرح می‌شود که اگر همسر با اشتغال زنش مخالفت داشته باشد، تکلیف چیست و اگر این مخالفت برای همسر خسارتی همراه داشته باشد، چه باید کرد؟ مکارم شیرازی در این راستا می‌فرماید که «اگر زوجه با موافقت شوهر و با کسب اجازه وی قرارداد را امضاء نموده و سپس با مخالفت شوهرش مجبور به ترک کار شود، زوج مسئول جبران خسارت زوجه است» و «هرگاه زن قراردادی با اجازه شوهر نسبت به مدتی بسته است، آن قرارداد لازم‌الاجراء است و شوهر حق ممانعت از آن را ندارد و اگر قراردادی دارد و می‌تواند استعفاء دهد، باید استعفاء دهد؛ اما اگر خسارتی از این جهت به زن برسد شوهر باید خسارت را جبران کند» (همان: ۳/۳۶۵). به نظر می‌رسد مکارم بیشتر از نظرگاه فقهی به این مساله توجه کرده است.

ج. عبدالله جوادی آملی

جوادی آملی (۱۳۱۲-۱۴۰۰ش) نیز از مفسران و موافقان مشروط در حوزه اشتغال زنان است. وی درباره آیه اشتغال می‌فرماید: «مردان و زنان در امور مادی و معنوی دارای استقلال هستند و محصول کارشان به خودشان تعلق دارد. استقلال هر یک از زنان و مردان در بهره‌مندی از کسب مادی‌شان، دال بر اهمیت استقلال اقتصادی آنها و مخالفت با پندار جاهلیت است که زنان را محروم تصور می‌کردند. اکتساب در این آیه معنای جامع دارد و درباره کارهای اختیاری نیست، پس هر کس هر چیز را که کسب کند، خدا بر اثر عوامل اختیاری و ظاهری یا غیر اختیاری و مستور، از آن خود اوست و دیگری نباید تمنی کند، بلکه باید تلاش کند مشابه آن را به دست آورد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۹۵/۱۸). به عقیده ایشان در نظام عادلانه الهی و فرهنگ مدرن قرآن کریم، بار اقتصادی زن و فرزند بر دوش مردان است و زن به علت لطافت روحی و جسمی نباید دغدغه اقتصاد خانواده را داشته باشد، اما این بدان معنا نیست که اسلام با اشتغال زن مخالف است، ولی بر این اساس مرد می‌تواند زن را در زمینه اشتغال محدود کند. هرچند برخی مشاغل زنانه است و به عنوان واجب کفایی برای زنان مطرح می‌شود (همان: ۲۷۶).

شرط ایشان برای حضور زنان در جامعه و داشتن شغل، حجاب است؛ از این رو می‌گویند: اسلام زن را در سایه حجاب به صحنه می‌آورد تا معلم عاطفه، لطف و صفا باشد، ولی دنیای کنونی حجاب را از زن می‌گیرد تا در قالب بازیچه به بازار بیاید و تامین‌گریزه کند. از این رو اسلام اصرار دارد که زن با حجاب و عفاف به اجتماع بیاید (همان: ۲۸۹). این نگاه از زوایای مختلف قابل تامل است. نکته برجسته این نگاه که موجب دریافت‌های دوگانه‌ای خواهد شد، طرح محدودیت اشتغال زنان توسط همسرانشان می‌باشد که با حقوق زنان در تعارض است.

د. مرتضی مطهری

مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ش) نیز از قرآن‌پژوهان و موافقان مشروط در حوزه اشتغال زنان است. او در برخورد با مسئله اشتغال سه موضوع اصلی را مطرح می‌کند: اصل حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، حوزه حضور زنان و نحوه حضور آنها در فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال (مطهری، بی‌تا: ۱۰۵). او می‌گوید: «اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در راه رویش قفل کرد این با آزادی طبیعی و حقوق خدادادی زن منافات دارد» (مطهری، ۱۳۸۴: ۵۸). او فعالیت‌های بیرون از خانه زن را در چند مرحله بررسی می‌کند: مرحله اول فعالیت‌های غیر اجتماعی، مرحله دوم فعالیت‌های اجتماعی و مرحله سوم کارهای دولتی است (همان: ۵۷-۶۰). وی حق اشتغال زن مسلمان را مشروط به انجام سه وظیفه اصلی زن یعنی خانه‌داری، بچه‌داری و شوهرداری می‌داند. (همان: ۵۹). او معتقد است حیطة اصلی

فعالیت‌های زن مسلمان در عرصه خصوصی خانه است و هر گونه فعالیتی که با این وظیفه اصلی تداخل یابد، باید کنار گذاشته شود (همان: ۳۰).

در اسلام برای تامین مصالح جامعه و همچنین امنیت زنان، حضور زنان در جامعه با الزامات همراه است. یکی از این الزامات، رعایت حجاب است؛ یعنی کامجویی جنسی باید منحصر به خانه و همسر مشروع باشد و محیط کار، نه برای تبرج بلکه فقط برای کار و فعالیت باشد. از طرفی حجاب کارآمدی زن را کاهش نمی‌دهد، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می‌شود (همان: ۴۵۸/۱۹). با وجود اینکه مطهری اشتغال زنان را از حقوق خدادادی آنان می‌شمرد، اما مهم‌ترین وظیفه زن را در عرصه خصوصی خانه می‌داند و هرچه که با این وظیفه در تقابل باشد را نفی می‌کند.

و. محمد عبده

محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۲ق) از قرآن‌پژوهان و موافقان در حوزه اشتغال زنان است. او درباره حق اشتغال زن در اسلام اعتقاد دارد اسلام زن را از نظر شرعی از هیچ کدام از عرصه‌های زندگی و تولید منع نکرده و تنها شرایط تاریخی است که حوزه فعالیت زن را مشخص می‌کند (عمار، ۱۹۸۸م: ۲۵۲). عبده اعتقاد دارد اشتغال حق زن است اما تکلیف او نیست (همان: ۲۵۴) از طرفی وی می‌گوید: «اگر به خاطر کار کردن زن، به فرزندان و خانواده وی لطمه وارد شود و زن بتواند کار را کنار بگذارد، اولویت با خانواده و فرزندان است نه با کار و حرفه» (همان: ۲۵۳). عبده همچون مطهری اولویت را به خانواده می‌دهد.

هـ. مهدی مهریزی

مهریزی (۱۳۴۱ش) نیز از قرآن‌پژوهان و موافقان مشروط در حوزه اشتغال زنان است. او به نقل از امام خمینی می‌گوید: «قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره نساء، کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تایید کرده است، در این آیه هم کسب و هم مالکیت زن و مرد تقریر شده است» (مهریزی، ۱۳۸۹: ۲۲). مهریزی از نظر اینکه زمان و مکان می‌توانند در نحوه استدلال مفسران از آیات قرآنی تاثیر داشته باشند، معتقد است که «آنچه برای دین ذاتی است، گوهر پیام الهی است و نه ویژگیهای عصر تنزیل که در متن انعکاس می‌یافت و عرض محسوب می‌شد (همان: ۳۸) از نظر مهریزی می‌بایست در بحث اشتغال نیز ملزومات و واجبات زمان حاضر را در نظر گرفت. مهمترین نکته در نگاه مهریزی توجه به عنصر زمان است که به نظر می‌رسد تاکید دقیق و مناسبی است. با توجه به آنچه در این بخش بیان شد، می‌توان گفت که ایفای نقش در حریم خانه برجسته‌ترین سخن این دسته از قرآن‌پژوهان است. از همین رو با وجود پذیرش اشتغال زنان، نگران تضعیف نقش همسری و مادری هستند.

موافقان حوزه اشتغال زنان

اعتقاد به اینکه زن و مرد در مسئله اشتغال در یک سطح هستند.	محمد	موافقا ن مطلق
اعتقاد به اینکه مهجوریت و خانه نشینی حق زنان نیست.	فضل الله طالقانی	
اعتقاد به اینکه استقلال حق طبیعی و انسانی زن است.	حامد ابوزید آمنه	
اعتقاد به اینکه هدف قرآن برابری کامل زن و مرد است.	ودود مرنیسی	موافقا ن مشروط
اعتقاد وی بر اصل برابری زن و مرد می باشد.	احمد	
اعتقاد بر اینکه حق اشتغال زن براساس برنامه عرفی باشد.	قابل شحرور	
اعتقاد به اینکه داشتن شغل حق مسلم زن است.	طباطبایی	موافقا ن مشروط
اعتقاد به اولویت خانه و خانواده نسبت به شغل برای زنان	مکارم شیرازی	
اعتقاد به اولویت خانه و خانواده نسبت به شغل برای زنان	جوادی آملی	
اعتقاد به فقط حضور زنان در بعضی مشاغل خاص	مرتضی مطهری	موافقا ن مشروط
اعتقاد به اولویت خانه و خانواده نسبت به شغل برای زنان	محمد عبده	
اعتقاد به اولویت خانه و خانواده نسبت به شغل برای زنان	مهربیزی	
اعتقاد به حضور زن در اجتماع براساس واجبات زمانه		

۲-۳- مخالفان اشتغال زنان

مخالفان اشتغال زنان تنها مطلق بوده و در این بخش دیدگاه‌های محمد رشید رضا، قاسم امین و سید قطب بررسی می‌شود.

الف. محمد رشید رضا

رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) از مفسران و مخالفان در حوزه اشتغال زنان است. وی طبق آیه ۳۳ سوره احزاب اعتقاد دارد وظیفه زن، بارداری و تربیت فرزندان و انجام امور خانه است. چرا که حضور زنان و فعالیت ایشان در اجتماع به

کاهش حضور ایشان در خانه منجر می‌شود؛ پس فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان مثبت نیست. از طرفی وی طبق آیه ۳۴ سوره نساء بیان می‌کند: «مردان سرپرست و قیم زنان هستند و مرد باید به دلیل توانایی بالاتر و قوه تعقل برتر در جایگاه برتری قرار گیرد و از مرد و زن به مکان‌های دارای مفسده ممانعت به عمل آورد و زن هم نباید از مسئولیت‌هایی در اجتماع شود (رشید رضا، بی تا: ۵/ ۶۹). رشید رضا با نفی حقوق برابر زن و مرد، حتی استقلال اقتصادی آنان را به رسمیت نشناخته، و به طریق اولی جایی برای زنان در عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متصور نیست.

ب. قاسم امین

قاسم امین (۱۸۶۳-۱۹۰۸م) از دیگر قرآن‌پژوهان و مخالفان در حوزه اشتغال زنان است. وی سه دیدگاه اصلی در ارتباط با زنان دارد: بی‌عقلی، خرافاتی و حيله‌گر بودن زن؛ ایجاد فساد در جامعه با ورود زن به اجتماع و آموزش وی و همین‌طور عدم شرعی دانستن آموزش بانوان در مذهب. وی معتقد است اگر زن آموزش ببیند، عقلش آمادگی قبول آرا و نظرات درست را خواهد یافت و این امر به دوری وی از خرافات می‌انجامد و او به سمت فضایل رشد خواهد کرد (امین، ۲۰۰۵م: ۳۳۰)، اما از طرفی دیگر اعتقاد دارد که زنان نیمی از جمعیت جامعه هستند و اگر جاهل باشند آسیب بزرگی است و زنان باید به دانش، هنر، تجارت و اقتصاد بپردازند تا باعث افزایش ثمرات عقلی آنها شود (همان: ۳۳۰). او شغل آموزگاری و پزشکی را برای زن تایید می‌کند و کار را تنها در صورت لزوم برای زن ضروری می‌داند (همان: ۶۷).

پس می‌توان گفت وی خواهان اشتغال زنان در صورت اجبار است. این نگاه با حقوق انسانی زنان (حق اشتغال) در تضاد است.

ج. سید قطب

سید قطب از قرآن‌پژوهان و مخالفان در حوزه اشتغال زنان است. او سید قطب، اشتغال زن در خارج از منزل را جایز نمی‌داند و فطرتا وظیفه زن را بارداری، شیردهی و تربیت فرزندان و همچنین رسیدگی به امور منزل می‌داند. وی اعتقاد دارد فعالیت و حضور زن در اجتماع از میزان حضور او در منزل می‌کاهد؛ بنابراین این مفسر دیدگاه مثبتی نسبت به فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان ندارد. بنابراین حضور زنان در شرایطی که جاهلیت آن کم از جاهلیت عرب ندارد، اگر باعث بی‌بند و باری و فساد باشد و به وظیفه اصلی آنان که رسیدگی به امور منزل است، خللی وارد کند، مخالف نص صریح قرآن است (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۴۸/۲). سید قطب وظیفه اصلی و انسانی زن را تربیت نسل جدید دانسته و با فاصله گرفتن از واقعیت‌هایی که متأثر از شرایط امروزی جوامع است، نتوانسته است راه برون رفت از این مساله را به درستی تبیین کند.

با توجه به آنچه بیان شد، این گروه بدون توجه به حقوق زنان و فارغ از درک درست از زمان، مقتضیات آن و نیازهای جوامع، با نگاهی انسدادی راه را بر اشتغال زنان و بهره‌مندی جوامع از توانمندی‌های آنان بسته‌اند.

در حوزه اشتغال زنان با دو دیدگاه کلی مفسران و قرآن‌پژوهان موافق و مخالف مواجه هستیم. موافقان این حوزه به دو شکل مطلق و مشروط اظهار نظر داشتند، اما مخالفان فقط به شکل مطلق و قطعی مخالفت خود را بیان نمودند. بین تفاسیر ملاحظه شده، تفسیری مناسب و صحیح است که مطابق با نیازهای جامعه مدرن باشد. برای این منظور می‌بایست آیات قرآنی در بستر تاریخی و فرهنگی زمان خود تفسیر شده باشند؛ چرا که حقیقت در امر قدسی، قرائت‌های متفاوتی دارد. قرائت و تبیینی می‌تواند از همه بهتر باشد که از یک سو جوابگوی سوالات و تناقضات مطرح شده در زمان حاضر باشد و از سویی دیگر انسانیت و ممیزه‌های آن مانند کرامت و آزادی و نظایر آن از انسان سلب نشود. نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

- از آیات و مطالب مطرح شده در می‌یابیم که اسلام در ذات خود هیچ تفاوتی بین جنس زن و مرد قائل نیست، یعنی هرچه را برای مردان شایسته و روا می‌داند، برای زنان نیز شایسته می‌داند. اسلام بیشتر به رسالت همسری و مادری یک زن اهمیت می‌دهد و حفظ و صیانت خانواده را مهم‌ترین می‌داند، اما از سویی هیچگاه زن را به عنوان موجودی محبوس تلقی نمی‌کند. موافقان مطلق نیز تا حدی افراطی عمل نموده و حق آزادی در اشتغال زنان را بدون در نظر گرفتن خانواده مطرح می‌نمایند. در حالی که خانواده و نگهداری آن به عنوان سلول اصلی در پیکره اجتماع امری ضروری است و اگر زن از خانه و خانواده جدا شود، این هسته اصلی اجتماع به خطر خواهد افتاد.

- تفسیر موافقان مشروط هم به حق اشتغال زنان و هم به رسالت همسری و مادری وی توجه دارد. حضور زن در خانه اولویت مضاعف دارد، اما گاهی بعضی مشاغل فقط حضور زنان را می‌طلبد. با توجه به این مسائل، تفسیر مفسران موافق مشروط در حوزه اشتغال زنان بهتر می‌تواند پاسخگویی تعارض‌های مطرح شده باشد. این تفاسیر به گونه‌ای جامع و مبتنی بر نیاز و شرایط روز جامعه است. ظاهراً تفسیر موافقان مشروط از دیگر تفاسیر عقلانی‌تر جلوه می‌کند؛ چرا که هم حق آزادی زن در اشتغال را در نظر گرفته و هم موافق حضور او در جامعه با حفظ حجاب و نگهداری خانواده است. به هر حال می‌بایست حوزه‌های ارتباطی زنان گسترش یابد و قوانین حمایتی خوبی که مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی باشد برای آنان طرح شود و از طرفی نظارت بر اجرای دقیق این قوانین صورت گیرد تا حرمت‌گذاری به زنان ترویج یابد.

- تعدادی از مفسران مخالف در این حوزه لزوم خانه نشینی زن را بدون در نظر گرفتن کرامت انسانی وی مطرح می‌کنند. از طرفی دیده می‌شود بعضی از مفسران مخالف، هیچگونه فعالیت اجتماعی و اقتصادی را برای زن متصور نیستند. آنها با برداشت‌های غلط و ناصحیح از آیات و روایات، تفاوت مطرح شده در خلقت زن و مرد را به شکل برتری یک جنس بر جنس دیگر بیان می‌کنند، در حالی که این نابرابری دلیلی بر برتری یکی بر دیگری نیست. باید در نظر گرفت که تفاوتها فقط می‌توانند در ویژگی‌های جسمانی، برخی استعدادها و موارد محدود دیگر باشند. در این میان با برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت نباید نیازهای طبیعی زنان را نادیده گرفت. این عدم توجه به تفاوت‌های فردی و جنسیتی باعث می‌شود زنان متحمل آسیب‌های فراوانی شوند. تفاسیر ارائه شده از سوی مفسران مخالف تا استیفای کامل حقوق زنان فاصله زیادی دارد و این دیدگاه نمی‌تواند معقول و متناسب با نیازهای زنان باشد، چرا که احترام به حق اشتغال زنان و حقوق فردی آنان نقش مهمی در رضایتمندی آنان در زندگی ایفا می‌کند. یکی از دلایل ناامیدی و عدم رضایت زنان از زندگی، احساس حقارت و نادیده گرفتن حقوق آنان است.

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبد السلام هارون، قم: مکتبه الإعلام الإسلامی.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۹۹۰م)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۹م)، دوائر الخوف (قراءة فی خطاب المرأة)، بیروت: مرکز الثقافی العربی.
۵. امین، قاسم (۲۰۰۵م)، تحریر المرأة، قاهره: مکتبه الأداب.
۶. بارلاس، اسما و مهرداد عباسی و متینه السادات موسوی (۱۳۹۲ش)، بازخوانی متن مقدس از منظر زنان: تفسیر آمنه ودود از قرآن، آینه پژوهش، سال ۲۴، شماره ۱، صص ۳۲-۲۱.
۷. باقری، معصومه و دیگران (۱۳۸۸ش)، بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده، خانواده پژوهی، شماره ۱۸، صص ۲۶۲-۲۴۷.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: اسراء.
۹. الحمد، عبدالقادر شبیه (۱۴۳۱ق)، حقوق المرأة فی الإسلام، ریاض: مکتبه الملک فهد الوطنیه اثناء النشر.
۱۰. رشید رضا، محمد (بی تا)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. سید قطب، ابراهیم حسین (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۱۲. طالقانی، محمد (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۹۷۴م)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه.
۱۴. عماره، محمد (۱۹۸۸)، محمد عبده مجدد الدنیا بتجدید الدین، قاهره: دارالشرق.
۱۵. عمیدی زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳ش)، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: هجرت.
۱۷. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، لبنان، بیروت: دارالملاک.
۱۸. قابل، احمد (۱۳۸۲)، احکام بانوان در شریعت محمدی، تهران: نشر شریعت عقلائی.
۱۹. مرینی، فاطمه (۲۰۰۵م)، الجنس کهندسه الاجتماعیه، ترجمه فاطمه الزهراء ازرویل، الطبعة الرابعة، المدینة: الدار البیضاء، مرکز الثقافی العربی.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، نظام حقوقی زن در اسلام، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (بی تا)، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹)، درآمدی بر موقوفات زنان، وقف میراث جاویدان بهار، ش ۶۹، صص ۴۸-۲۷.